

وقتی امام دلتنگ شهید چمران شد؟

۱ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۶

مهدی چمران با بیان اینکه من کاری به صحبت دکتر یزدی ندارم. مسئله و جایگاه دکتر یزدی جداست. گفت: مصطفی چمران با اعضای نهضت آزادی همکاری و دوستی داشت. اما بعد از انقلاب خود دکتر گفت: «احزاب دورانش سپری شده است

ابراهیم یزدی دبیر کل گروهک نهضت آزادی به تازگی گفته است اسنادی داریم که نشان می‌دهد دکتر چمران بعد از انقلاب به عنوان عضو شورای مرکزی نهضت آزادی صورت جلسات را امضا کرده.

انکار عضویت او در نهضت آزادی نه به نفع ایشان است و نه به نفع آقای مهدی چمران. حرف‌های مهدی چمران متأثر از شرایط و فضای موجود است و هیچ سندیتی ندارد. هنگامی که نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ تشکیل شد ما ایران نبودیم، اما دکتر چمران، دکتر شریعتی، صادق قطب‌زاده، پرویز امین و من نهضت آزادی خارج از کشور را تأسیس کردیم.

مهدی چمران با بیان اینکه من صحبتی که دکتر یزدی کردند و بحثی که داشتند کاری ندارم دکتر یزدی مسئله و جایگاهش جداست. گفت: قبل از انقلاب دکتر چمران در آمریکا زندگی می‌کرد با یکسری تشکیلاتی مانند جبهه ملی ارتباط و فعالیتی داشت که در زمان خود دارای ارزش بود.

وی با اشاره به اینکه بعد از آنکه دکتر چمران از آمریکا به اروپا، مصر و لبنان رفت نهضت آزادی شکل گرفت. اصولاً نهضت آزادی در کشورهای مذکور تشکیلاتی نداشت.

چمران ادامه داد: دکتر در لبنان با سازمان‌های «حرکة المحرومین» و «سازمان امل» همکاری می‌کرد و با توجه به مشغله‌های فراوان به مسایل ایران نمی‌رسید.

وی گفت: مصطفی چمران با اعضای نهضت آزادی همکاری و دوستی داشت. اما بعد از انقلاب خود دکتر گفت و کاری به اسناد ندارم. می‌گفت. احزاب دورانش سپری شده است. دکتر فراتر از حزب و دوستی حزبی بود.

وی افزود: شهید چمران به مهندس بازرگان به عنوان استادش احترام بسیار می‌گذاشت. اما وقتی که مهندس بازرگان می‌خواستند

هواپیما «اف ۱۴» را بفروشد. به شدت هم مخالف کرد.

رئیس شورای اسلامی شهر تهران ادامه داد: این نکته در خاطرات مقام معظم رهبری نیز هست. اولین باری که که مهندس چمران را دیدند در همانجای بود که دکتر جلوی مهندس بازرگان استدلال می کرد که جنگنده اف ۱۴ را نفروشید. حتی برای این مسئله به خدمت امام رفت. مهندس بازرگان معتقد بود که ایران با کشوری جنگ ندارد. دکتر معتقد بود ایران جنگ ندارد اما دشمنان ایران با ایران جنگ دارند. بنابراین باید قدرت دفاعی داشته باشیم اگر این قدرت را نداشته باشیم حتما با ما می جنگند.

وی ادامه داد: دکتر با پافشاری روی مواضع خود نگذاشت مهندس بازرگان جنگنده ها را بفروشد این نشانه تاریخی را گفتم رفتار دکتر را در مواجهه با مسائل را یادآوری کنم که دکتر حزبی فکر نمی کرد و تاریخی و ملی فکر می کرد.

چمران ادامه داد: در طول دفاع مقدس به چمران انتقاد می شد که چرا خودت به جبهه می روی. اما دکتر به چنین توصیه های گوش نمی کرد. مشی و تفکر او فراتر از احزاب بود و هیچ کس نمی توانست ایشان را به حزبی بودن تقلیل دهد.

وی سپس به ذکر خاطره ای از برادر پرداخت و اشاره کرد: بعد از ورود امام به ایران، دکتر به ایران آمد و فرداش خدمت امام در مدرسه رفاه رسیدیم و امام تا سخن دکتر را شنید، فهمید دکتر است. سرش را بالا آورد. به دکتر لبخند زدند. در پایان به ایشان گفتند شما در ایران بمانید. دکتر به دلایلی مانند ربوده شدن امام موسی صدر در لبنان به ایران آمده بود تا برگردد با توصیه امام در ایران ماندگار شد.

چمران با بیان اینکه برخی از این دوستان در خاطراتی که می نویسند می گویند دکتر به لبنان رفت با خانمش وسایلش را آورد. این بی اطلاعی تاریخی است. افزود: چون کامیون فرستادیم کتاب های و دارهای قالی را بیاورند. دار قالی را دکتر به لبنان برد تا دکتر بود دخترهای لبنانی کار می کردند زمانی که دکتر برگشت. تعطیل شد. دکتر که وسایلی نداشت. من دارها را به کاشان بردم و قالی را تکمیل کردم. قالی را به مدرسه جبل عامل لبنان فرستادم.

وی افزود: من در ستاد جنگ های نامنظم اهواز بودم بعد از ظهری تلفن زنگ زد و حاج احمد آقا بود و دکتر تلفن را در اتاق نمی گذاشت. یکی و دوبار که می خواست با پدرمان صحبت کند سیم کشیدیم. به اتاق دیگری و تلفنی احوالپرسی کرد.

چمران ادامه داد: چون تلفن در اتاق نداشت حاج احمد آقا به من زنگ زد. پیغام دادند که امام از دکتر خواست که به تهران بیایند. گفتم نمی آید. علتش هم این بود که چون بعد از حمله عراق به ایران دکتر یک سوگندنامه ای یاد کردند که تا وقتی که یک سرباز دشمن در خاک خوزستان است. من گل نمی بویم و عطر نمی زنم و نمی خندم و از خوزستان هم خارج نمی شوم.

وی افزود: دوباره خواسته اش را تکرار کرد گفتم نمی آید. برای بار دیگر گفت از قول من (حاج احمد آقا) بگو. می آید. گفتم، نمی آید.

حاج احمد آقا گفت: «راستش را بخواهید امام گفت دلم برای دکتر چمران تنگ شده است». گفتم حاج احمد آقا حالا چه چیزی شد

چمران گفت: نزد دکتر رفتم و ماجرا را شرح دادم و منتظر پاسخ دادنش هم نشدم. می دانستم میاید. فردا با اولین پرواز سی ۳۳۰ به تهران و خدمت امام رفت.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۷۵۷/چمران-شهید-دلتنگ-امام-وقتی>